



اشعار باباطاهر



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اشعار باباطاهر

نویسنده:

بابا طاهر عریان همدانی

ناشر چاپی:

قاسمی

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۲۱	اشعار باباطاهر
۲۱	مشخصات کتاب
۲۱	زندگینامه
۲۱	اشعار پراکنده
۲۱	غزل
۲۲	قصیده
۲۶	دوبیتی ها
۲۶	دوبیتی شماره ۱
۲۶	دوبیتی شماره ۲
۲۶	دوبیتی شماره ۳
۲۶	دوبیتی شماره ۴
۲۷	دوبیتی شماره ۵
۲۷	دوبیتی شماره ۶
۲۷	دوبیتی شماره ۷
۲۷	دوبیتی شماره ۸
۲۸	دوبیتی شماره ۹
۲۸	دوبیتی شماره ۱۰
۲۸	دوبیتی شماره ۱۱
۲۸	دوبیتی شماره ۱۲
۲۹	دوبیتی شماره ۱۳
۲۹	دوبیتی شماره ۱۴
۲۹	دوبیتی شماره ۱۵

۲۹	دوبیتی شماره ۱۶
۳۱	دوبیتی شماره ۱۷
۳۱	دوبیتی شماره ۱۸
۳۱	دوبیتی شماره ۱۹
۳۱	دوبیتی شماره ۲۰
۳۲	دوبیتی شماره ۲۱
۳۲	دوبیتی شماره ۲۲
۳۲	دوبیتی شماره ۲۳
۳۲	دوبیتی شماره ۲۴
۳۲	دوبیتی شماره ۲۵
۳۳	دوبیتی شماره ۲۶
۳۳	دوبیتی شماره ۲۷
۳۳	دوبیتی شماره ۲۸
۳۴	دوبیتی شماره ۲۹
۳۴	دوبیتی شماره ۳۰
۳۴	دوبیتی شماره ۳۱
۳۴	دوبیتی شماره ۳۲
۳۵	دوبیتی شماره ۳۳
۳۵	دوبیتی شماره ۳۴
۳۵	دوبیتی شماره ۳۵
۳۵	دوبیتی شماره ۳۶
۳۵	دوبیتی شماره ۳۷
۳۶	دوبیتی شماره ۳۸
۳۶	دوبیتی شماره ۳۹

۳۶	دوبیتی شماره ۴۰
۳۶	دوبیتی شماره ۴۱
۳۸	دوبیتی شماره ۴۲
۳۸	دوبیتی شماره ۴۳
۳۸	دوبیتی شماره ۴۴
۳۸	دوبیتی شماره ۴۵
۳۹	دوبیتی شماره ۴۶
۳۹	دوبیتی شماره ۴۷
۳۹	دوبیتی شماره ۴۸
۳۹	دوبیتی شماره ۴۹
۴۰	دوبیتی شماره ۵۰
۴۰	دوبیتی شماره ۵۱
۴۰	دوبیتی شماره ۵۲
۴۰	دوبیتی شماره ۵۳
۴۱	دوبیتی شماره ۵۴
۴۱	دوبیتی شماره ۵۵
۴۱	دوبیتی شماره ۵۶
۴۱	دوبیتی شماره ۵۷
۴۲	دوبیتی شماره ۵۸
۴۲	دوبیتی شماره ۵۹
۴۲	دوبیتی شماره ۶۰
۴۲	دوبیتی شماره ۶۱
۴۳	دوبیتی شماره ۶۲
۴۳	دوبیتی شماره ۶۳

۴۳	دوبیتی شماره ۶۴
۴۳	دوبیتی شماره ۶۵
۴۳	دوبیتی شماره ۶۶
۴۵	دوبیتی شماره ۶۷
۴۵	دوبیتی شماره ۶۸
۴۵	دوبیتی شماره ۶۹
۴۵	دوبیتی شماره ۷۰
۴۶	دوبیتی شماره ۷۱
۴۶	دوبیتی شماره ۷۲
۴۶	دوبیتی شماره ۷۳
۴۶	دوبیتی شماره ۷۴
۴۷	دوبیتی شماره ۷۵
۴۷	دوبیتی شماره ۷۶
۴۷	دوبیتی شماره ۷۷
۴۷	دوبیتی شماره ۷۸
۴۸	دوبیتی شماره ۷۹
۴۸	دوبیتی شماره ۸۰
۴۸	دوبیتی شماره ۸۱
۴۸	دوبیتی شماره ۸۲
۴۹	دوبیتی شماره ۸۳
۴۹	دوبیتی شماره ۸۴
۴۹	دوبیتی شماره ۸۵
۴۹	دوبیتی شماره ۸۶
۵۰	دوبیتی شماره ۸۷

۵۰	دوبیتی شماره ۸۸
۵۱	دوبیتی شماره ۸۹
۵۱	دوبیتی شماره ۹۰
۵۱	دوبیتی شماره ۹۱
۵۱	دوبیتی شماره ۹۲
۵۲	دوبیتی شماره ۹۳
۵۲	دوبیتی شماره ۹۴
۵۲	دوبیتی شماره ۹۵
۵۲	دوبیتی شماره ۹۶
۵۳	دوبیتی شماره ۹۷
۵۳	دوبیتی شماره ۹۸
۵۳	دوبیتی شماره ۹۹
۵۳	دوبیتی شماره ۱۰۰
۵۴	دوبیتی شماره ۱۰۱
۵۴	دوبیتی شماره ۱۰۲
۵۴	دوبیتی شماره ۱۰۳
۵۴	دوبیتی شماره ۱۰۴
۵۵	دوبیتی شماره ۱۰۵
۵۵	دوبیتی شماره ۱۰۶
۵۵	دوبیتی شماره ۱۰۷
۵۵	دوبیتی شماره ۱۰۸
۵۵	دوبیتی شماره ۱۰۹
۵۶	دوبیتی شماره ۱۱۰
۵۶	دوبیتی شماره ۱۱۱

۵۶	دوبیتی شماره ۱۱۲
۵۶	دوبیتی شماره ۱۱۳
۵۸	دوبیتی شماره ۱۱۴
۵۸	دوبیتی شماره ۱۱۵
۵۸	دوبیتی شماره ۱۱۶
۵۸	دوبیتی شماره ۱۱۷
۵۹	دوبیتی شماره ۱۱۸
۵۹	دوبیتی شماره ۱۱۹
۵۹	دوبیتی شماره ۱۲۰
۵۹	دوبیتی شماره ۱۲۱
۵۹	دوبیتی شماره ۱۲۲
۶۰	دوبیتی شماره ۱۲۳
۶۰	دوبیتی شماره ۱۲۴
۶۰	دوبیتی شماره ۱۲۵
۶۰	دوبیتی شماره ۱۲۶
۶۱	دوبیتی شماره ۱۲۷
۶۱	دوبیتی شماره ۱۲۸
۶۱	دوبیتی شماره ۱۲۹
۶۱	دوبیتی شماره ۱۳۰
۶۲	دوبیتی شماره ۱۳۱
۶۲	دوبیتی شماره ۱۳۲
۶۲	دوبیتی شماره ۱۳۳
۶۲	دوبیتی شماره ۱۳۴
۶۳	دوبیتی شماره ۱۳۵

۶۳	دوبیتی شماره ۱۳۶
۶۳	دوبیتی شماره ۱۳۷
۶۴	دوبیتی شماره ۱۳۸
۶۴	دوبیتی شماره ۱۳۹
۶۴	دوبیتی شماره ۱۴۰
۶۴	دوبیتی شماره ۱۴۱
۶۵	دوبیتی شماره ۱۴۲
۶۵	دوبیتی شماره ۱۴۳
۶۵	دوبیتی شماره ۱۴۴
۶۵	دوبیتی شماره ۱۴۵
۶۵	دوبیتی شماره ۱۴۶
۶۶	دوبیتی شماره ۱۴۷
۶۶	دوبیتی شماره ۱۴۸
۶۶	دوبیتی شماره ۱۴۹
۶۶	دوبیتی شماره ۱۵۰
۶۷	دوبیتی شماره ۱۵۱
۶۸	دوبیتی شماره ۱۵۲
۶۸	دوبیتی شماره ۱۵۳
۶۸	دوبیتی شماره ۱۵۴
۶۸	دوبیتی شماره ۱۵۵
۶۹	دوبیتی شماره ۱۵۶
۶۹	دوبیتی شماره ۱۵۷
۶۹	دوبیتی شماره ۱۵۸
۶۹	دوبیتی شماره ۱۵۹

۷۰	دوبیتی شماره ۱۶۰
۷۰	دوبیتی شماره ۱۶۱
۷۰	دوبیتی شماره ۱۶۲
۷۰	دوبیتی شماره ۱۶۳
۷۱	دوبیتی شماره ۱۶۴
۷۲	دوبیتی شماره ۱۶۵
۷۲	دوبیتی شماره ۱۶۶
۷۲	دوبیتی شماره ۱۶۷
۷۲	دوبیتی شماره ۱۶۸
۷۳	دوبیتی شماره ۱۶۹
۷۳	دوبیتی شماره ۱۷۰
۷۳	دوبیتی شماره ۱۷۱
۷۳	دوبیتی شماره ۱۷۲
۷۴	دوبیتی شماره ۱۷۳
۷۴	دوبیتی شماره ۱۷۴
۷۴	دوبیتی شماره ۱۷۵
۷۴	دوبیتی شماره ۱۷۶
۷۵	دوبیتی شماره ۱۷۷
۷۶	دوبیتی شماره ۱۷۸
۷۶	دوبیتی شماره ۱۷۹
۷۶	دوبیتی شماره ۱۸۰
۷۶	دوبیتی شماره ۱۸۱
۷۷	دوبیتی شماره ۱۸۲
۷۷	دوبیتی شماره ۱۸۳

- دوبیتی شماره ۱۸۴ ----- ۷۷
- دوبیتی شماره ۱۸۵ ----- ۷۷
- دوبیتی شماره ۱۸۶ ----- ۷۸
- دوبیتی شماره ۱۸۷ ----- ۷۸
- دوبیتی شماره ۱۸۸ ----- ۷۸
- دوبیتی شماره ۱۸۹ ----- ۷۸
- دوبیتی شماره ۱۹۰ ----- ۷۹
- دوبیتی شماره ۱۹۱ ----- ۷۹
- دوبیتی شماره ۱۹۲ ----- ۷۹
- دوبیتی شماره ۱۹۳ ----- ۷۹
- دوبیتی شماره ۱۹۴ ----- ۸۰
- دوبیتی شماره ۱۹۵ ----- ۸۰
- دوبیتی شماره ۱۹۶ ----- ۸۰
- دوبیتی شماره ۱۹۷ ----- ۸۰
- دوبیتی شماره ۱۹۸ ----- ۸۱
- دوبیتی شماره ۱۹۹ ----- ۸۱
- دوبیتی شماره ۲۰۰ ----- ۸۱
- دوبیتی شماره ۲۰۱ ----- ۸۱
- دوبیتی شماره ۲۰۲ ----- ۸۲
- دوبیتی شماره ۲۰۳ ----- ۸۲
- دوبیتی شماره ۲۰۴ ----- ۸۲
- دوبیتی شماره ۲۰۵ ----- ۸۲
- دوبیتی شماره ۲۰۶ ----- ۸۳
- دوبیتی شماره ۲۰۷ ----- ۸۳

۸۳	دوبیتی شماره ۲۰۸
۸۳	دوبیتی شماره ۲۰۹
۸۳	دوبیتی شماره ۲۱۰
۸۴	دوبیتی شماره ۲۱۱
۸۴	دوبیتی شماره ۲۱۲
۸۴	دوبیتی شماره ۲۱۳
۸۵	دوبیتی شماره ۲۱۴
۸۵	دوبیتی شماره ۲۱۵
۸۵	دوبیتی شماره ۲۱۶
۸۵	دوبیتی شماره ۲۱۷
۸۶	دوبیتی شماره ۲۱۸
۸۶	دوبیتی شماره ۲۱۹
۸۶	دوبیتی شماره ۲۲۰
۸۶	دوبیتی شماره ۲۲۱
۸۷	دوبیتی شماره ۲۲۲
۸۷	دوبیتی شماره ۲۲۳
۸۷	دوبیتی شماره ۲۲۴
۸۸	دوبیتی شماره ۲۲۵
۸۸	دوبیتی شماره ۲۲۶
۸۸	دوبیتی شماره ۲۲۷
۸۸	دوبیتی شماره ۲۲۸
۸۹	دوبیتی شماره ۲۲۹
۸۹	دوبیتی شماره ۲۳۰
۸۹	دوبیتی شماره ۲۳۱

۸۹	دوبیتی شماره ۲۳۲
۸۹	دوبیتی شماره ۲۳۳
۹۰	دوبیتی شماره ۲۳۴
۹۰	دوبیتی شماره ۲۳۵
۹۰	دوبیتی شماره ۲۳۶
۹۰	دوبیتی شماره ۲۳۷
۹۲	دوبیتی شماره ۲۳۸
۹۲	دوبیتی شماره ۲۳۹
۹۲	دوبیتی شماره ۲۴۰
۹۲	دوبیتی شماره ۲۴۱
۹۳	دوبیتی شماره ۲۴۲
۹۳	دوبیتی شماره ۲۴۳
۹۳	دوبیتی شماره ۲۴۴
۹۳	دوبیتی شماره ۲۴۵
۹۳	دوبیتی شماره ۲۴۶
۹۴	دوبیتی شماره ۲۴۷
۹۴	دوبیتی شماره ۲۴۸
۹۴	دوبیتی شماره ۲۴۹
۹۴	دوبیتی شماره ۲۵۰
۹۶	دوبیتی شماره ۲۵۱
۹۶	دوبیتی شماره ۲۵۲
۹۶	دوبیتی شماره ۲۵۳
۹۶	دوبیتی شماره ۲۵۴
۹۷	دوبیتی شماره ۲۵۵

۹۷	دوبیتی شماره ۲۵۶
۹۷	دوبیتی شماره ۲۵۷
۹۷	دوبیتی شماره ۲۵۸
۹۸	دوبیتی شماره ۲۵۹
۹۸	دوبیتی شماره ۲۶۰
۹۸	دوبیتی شماره ۲۶۱
۹۸	دوبیتی شماره ۲۶۲
۹۸	دوبیتی شماره ۲۶۳
۱۰۰	دوبیتی شماره ۲۶۴
۱۰۰	دوبیتی شماره ۲۶۵
۱۰۰	دوبیتی شماره ۲۶۶
۱۰۰	دوبیتی شماره ۲۶۷
۱۰۱	دوبیتی شماره ۲۶۸
۱۰۱	دوبیتی شماره ۲۶۹
۱۰۱	دوبیتی شماره ۲۷۰
۱۰۱	دوبیتی شماره ۲۷۱
۱۰۱	دوبیتی شماره ۲۷۲
۱۰۲	دوبیتی شماره ۲۷۳
۱۰۲	دوبیتی شماره ۲۷۴
۱۰۲	دوبیتی شماره ۲۷۵
۱۰۲	دوبیتی شماره ۲۷۶
۱۰۳	دوبیتی شماره ۲۷۷
۱۰۳	دوبیتی شماره ۲۷۸
۱۰۳	دوبیتی شماره ۲۷۹

۱۰۳	دوبیتی شماره ۲۸۰
۱۰۴	دوبیتی شماره ۲۸۱
۱۰۴	دوبیتی شماره ۲۸۲
۱۰۴	دوبیتی شماره ۲۸۳
۱۰۴	دوبیتی شماره ۲۸۴
۱۰۵	دوبیتی شماره ۲۸۵
۱۰۵	دوبیتی شماره ۲۸۶
۱۰۵	دوبیتی شماره ۲۸۷
۱۰۶	دوبیتی شماره ۲۸۸
۱۰۶	دوبیتی شماره ۲۸۹
۱۰۶	دوبیتی شماره ۲۹۰
۱۰۶	دوبیتی شماره ۲۹۱
۱۰۷	دوبیتی شماره ۲۹۲
۱۰۷	دوبیتی شماره ۲۹۳
۱۰۷	دوبیتی شماره ۲۹۴
۱۰۷	دوبیتی شماره ۲۹۵
۱۰۸	دوبیتی شماره ۲۹۶
۱۰۸	دوبیتی شماره ۲۹۷
۱۰۸	دوبیتی شماره ۲۹۸
۱۰۸	دوبیتی شماره ۲۹۹
۱۰۹	دوبیتی شماره ۳۰۰
۱۰۹	دوبیتی شماره ۳۰۱
۱۰۹	دوبیتی شماره ۳۰۲
۱۰۹	دوبیتی شماره ۳۰۳

۱۱۰	دوبیتی شماره ۳۰۴
۱۱۰	دوبیتی شماره ۳۰۵
۱۱۰	دوبیتی شماره ۳۰۶
۱۱۰	دوبیتی شماره ۳۰۷
۱۱۱	دوبیتی شماره ۳۰۸
۱۱۱	دوبیتی شماره ۳۰۹
۱۱۱	دوبیتی شماره ۳۱۰
۱۱۲	دوبیتی شماره ۳۱۱
۱۱۲	دوبیتی شماره ۳۱۲
۱۱۲	دوبیتی شماره ۳۱۳
۱۱۲	دوبیتی شماره ۳۱۴
۱۱۳	دوبیتی شماره ۳۱۵
۱۱۳	دوبیتی شماره ۳۱۶
۱۱۳	دوبیتی شماره ۳۱۷
۱۱۳	دوبیتی شماره ۳۱۸
۱۱۳	دوبیتی شماره ۳۱۹
۱۱۴	دوبیتی شماره ۳۲۰
۱۱۴	دوبیتی شماره ۳۲۱
۱۱۴	دوبیتی شماره ۳۲۲
۱۱۵	دوبیتی شماره ۳۲۳
۱۱۵	دوبیتی شماره ۳۲۴
۱۱۵	دوبیتی شماره ۳۲۵
۱۱۵	دوبیتی شماره ۳۲۶
۱۱۵	دوبیتی شماره ۳۲۷

۱۱۶	دوبیتی شماره ۳۲۸
۱۱۶	دوبیتی شماره ۳۲۹
۱۱۶	دوبیتی شماره ۳۳۰
۱۱۶	دوبیتی شماره ۳۳۱
۱۱۷	دوبیتی شماره ۳۳۲
۱۱۷	دوبیتی شماره ۳۳۳
۱۱۷	دوبیتی شماره ۳۳۴
۱۱۷	دوبیتی شماره ۳۳۵
۱۱۹	دوبیتی شماره ۳۳۶
۱۱۹	دوبیتی شماره ۳۳۷
۱۱۹	دوبیتی شماره ۳۳۸
۱۱۹	دوبیتی شماره ۳۳۹
۱۲۰	دوبیتی شماره ۳۴۰
۱۲۰	دوبیتی شماره ۳۴۱
۱۲۰	دوبیتی شماره ۳۴۲
۱۲۰	دوبیتی شماره ۳۴۳
۱۲۱	دوبیتی شماره ۳۴۴
۱۲۱	دوبیتی شماره ۳۴۵
۱۲۱	دوبیتی شماره ۳۴۶
۱۲۱	دوبیتی شماره ۳۴۷
۱۲۲	دوبیتی شماره ۳۴۸
۱۲۲	دوبیتی شماره ۳۴۹
۱۲۲	دوبیتی شماره ۳۵۰
۱۲۲	دوبیتی شماره ۳۵۱

۱۲۳	دوبیتی شماره ۳۵۲
۱۲۳	دوبیتی شماره ۳۵۳
۱۲۳	دوبیتی شماره ۳۵۴
۱۲۳	دوبیتی شماره ۳۵۵
۱۲۴	دوبیتی شماره ۳۵۶
۱۲۴	دوبیتی شماره ۳۵۷
۱۲۴	دوبیتی شماره ۳۵۸
۱۲۴	دوبیتی شماره ۳۵۹
۱۲۴	دوبیتی شماره ۳۶۰
۱۲۶	دوبیتی شماره ۳۶۱
۱۲۶	دوبیتی شماره ۳۶۲
۱۲۶	دوبیتی شماره ۳۶۳
۱۲۶	دوبیتی شماره ۳۶۴
۱۲۷	دوبیتی شماره ۳۶۵
۱۲۷	دوبیتی شماره ۳۶۶
۱۲۸	درباره مرکز

اشعار باباطاهر

مشخصات کتاب

سرشناسه : باباطاهر، قرن ۵ ق .

عنوان قراردادی : دیوان

عنوان و نام پدیدآور : اشعار باباطاهر

مشخصات نشر : مشهد: قاسمی، ۱۳۷۴.

مشخصات ظاهری : ۱۰۹ ص:؛ ۱۲ × ۱۷ س م.

شابک : ۱۰۰۰ ریال

یادداشت : عنوان روی جلد: باباطاهر.

عنوان روی جلد : باباطاهر.

موضوع : شعر فارسی -- قرن ۵ ق.

رده بندی کنگره : PIR۴۶۰۰

رده بندی دیویی : ۸/۲۲۱

شماره کتابشناسی ملی : م ۷۵-۴۱۰

زندگینامه

باباطاهر عریان عارف و شاعر قرن پنجم هجری قمری و معاصر با طغرل شاه سلجوقی است. البته در باب حوادث زندگی و احوالات باباطاهر اطلاعات مبسوطی در دست نیست. برخی تذکره نویسان وی را معاصر عین القضاة همدانی (یعنی حدود سال ۵۲۵ هجری قمری) و برخی وی را هم عهد خواجه نصیر (۶۷۲ هجری قمری) دانسته اند. از باباطاهر علاوه بر دوبیتیهای معروف او، مجموعه کلمات قصاری نیز به زبان عربی به نام "اشارات" به جای مانده است. از اشعار باباطاهر مجموعه موثقی در دست نیست، به همین جهت نمی توان در صحت انتساب تمام اشعاری که به او نسبت می دهند به یقین حکمی کرد.

اشعار پراکنده

غزل

دلا در عشق تو صد دفترستم

که صد دفتر ز کونین ازبرستم
منم آن بلبل گل ناشکفته
که آذر در ته خاکسترستم
دلم سوجه ز غصه وربریجه
جفای دوست را خواهان ترستم
مو آن عودم میان آتشتان
که این نه آسمانها مجمرستم
شد از نیل غم و ماتم دلم خون
بچهره خوشتر از نیلوفرستم
درین آلاله در کویش چو گلخن
بداغ دل چو سوزان اخگرستم
نه زورستم که با دشمن ستیزم
نه بهر دوستان سیم و زرستم
ز دوران گرچه پر بی جام عیشم
ولی بی دوست خونین ساغرستم
چرم دایم درین مرز و درین کشت
که مرغ خوگر باغ و برستم
منم طاهر که از عشق نکویان
دلی لبریز خون اندر برستم

قصیده

بتا تا

زار چون تو دلبرستم
بتن عود و بسینه مجمرستم
اگر جز مهر تو اندر دلم بی
به هفتاد و دو ملت کافرستم
اگر روزی دو صد بارت بوینم
همی مشتاق بار دیگرستم
فراق لاله رویان سوته ديلم
وز ایشان در رگ جان نشترستم
منم آن شاخه بر نخل محبت
که حسرت سایه و محنت برستم
نه کار آخرت کردم نه دنیا
یکی بی سایه نخل بی برستم
نه خور نه خواب بیتو گویی
به پیکر هر سر مو خنجرستم
جدا از تو به حور و خلد و طوبی
اگر خورسند کردم کافرستم
چو شمعم گر سراندازند صدبار
فروزنده تر و روشن ترستم
مرا از آتش دوزخ چه غم بی
که دوزخ جزوی از خاکسترستم
سمندر وش میان آتش هجر

پریشان مرغ بی بال و پرستم
درین دیرم چنان مظلوم و مغموم
چو طفل بی پدر بی مادرستم
نمی گیرد کسم هرگز به چیزی
درین عالم ز هر کس کمترستم
بیک ناله بسوجم هر دو عالم
که از سوز جگر خنیاگرستم
بیالینم همه الماس سوده
همه خار و خسک در بسترستم
مثال کافر در مومنستان
چو مؤمن در میان کافرستم
همه سوجم همه سوجم همه سوج
بگر می چون فروزان اخگرستم
رخ تو آفتاب و مو چو حربا
و یا پژمان گل نیلوفرستم
بملک عشق روح بی نشانم
بشهر دل یکی صورت پرستم
رخش تا کرده در دل جلوه از مهر
بخوبی آفتاب خاورستم
بمیرای دل که آسایش بیابی
که مو تا جان ندادم وانرستم

من از روز ازل طاهر بزادم

ازین رو نام بابا طاهرستم

دوبیتی ها

دوبیتی شماره ۱

ببندم شال و میوشم قدک را

بنازم گردش چرخ و فلک را

بگردم آب دریاها سراسر

بشویم هر دو دست بی نمک را

دوبیتی شماره ۲

تن محنت کشی دیرم خدایا

دل با غم خوشی دیرم خدایا

ز شوق مسکن و داد غریبی

به سینه آتشی دیرم خدایا

دوبیتی شماره ۳

اگر یار مرا دیدی به خلوت

بگو ای بی وفا ای بیمروت

گریبانم ز دست چاک چاکو

نخواهم دوخت تا روز قیامت

دوبیتی شماره ۴

ته که

ناخوانده ای علم سماوات

ته که نابرده ای ره در خرابات

ته که سود و زیان خود ندانی

بیاران کی رسی هیهات هیهات

دوبیتی شماره ۵

دلی دیرم خریدار محبت

کز او گرم است بازار محبت

لباسی دوختم بر قامت دل

زپود محنت و تار محبت

دوبیتی شماره ۶

محبت آتشی در جانم افروخت

که تا دامان محشر بایدم سوخت

عجب پیراهنی بهم بریدی

که خیاط اجل میبایدش دوخت

دوبیتی شماره ۷

نپرسی حال یار دلفکارت

که هجران چون کند با روزگارت

ته که روز و شوان در یاد مویی

هزارت عاشق با موچه کارت

دوبیتی شماره ۸

اگر دل دلبر و دلبر کدام است

وگر دلبر دل و دلرا چه نام است

دل و دلبر بهم آمیته وینم

ندونم دل که و دلبر کدام است

دوبیتی شماره ۹

شب تاریک و سنگستان و مو مست

قدح از دست مو افتاد و نشکست

نگهدارنده اش نیکو نگهداشت

و گر نه صد قدح نفتاده بشکست

دوبیتی شماره ۱۰

نفس شومم بدنیا بهر آن است

که تن از بهر موران پرورانست

ندونستم که شرط بندگی چیست

هرزه بورم بمیدان جهانست

دوبیتی شماره ۱۱

شیرمردی بدم دلم چه دونست

اجل قصدم کره و شیر ژبونست

ز موشیر ژیان پرهیز می کرد

تم و مرگ جنگیدن ندونست

دوبیتی شماره ۱۲

بود درد مو و درمانم از دوست

بود وصل مو و هجرانم از دوست

اگر قصابم از تن واکره پوست
جدا هرگز نگردد جانم از دوست

دوبیتی شماره ۱۳

نمیدانم دلم دیوانه کیست
کجا آواره و در خانه کیست
نمیدونم دل سر گشته مو
اسیر نرگس مستانه کیست

دوبیتی شماره ۱۴

ته دوری از برم دل در برم نیست
هوای دیگری اندر سرم نیست
بجان دلبرم کز هر دو عالم
تمنای دگر جز دلبرم نیست

دوبیتی شماره ۱۵

یکی برزیگرک نالان درین دشت
بخون دیدگان آلاله می کشت
همی کشت و همی گفت ای دریغا
بباید کشت و هشت و رفت ازین دشت

دوبیتی شماره ۱۶

خرم کوه و خرم صحرا خرم دشت
خرم آنانکه این آلالیان کشت
بسی هند و بسی شند و بسی یند

همان کوه و همان

صحرا همان دشت

دوبیتی شماره ۱۷

بهار آیو به صحرا و در و دشت

جوانی هم بهاری بود و بگذشت

سر قبر جوانان لاله رویه

دمی که گلرخان آیند به گلگشت

دوبیتی شماره ۱۸

سیاهی دو چشمانت مرا کشت

درازی دو زلفانت مرا کشت

به قتلیم حاجت تیر و کمان نیست

خم ابرو و مژگانم مرا کشت

دوبیتی شماره ۱۹

عزیزا کاسه چشمم سرایت

میان هر دو چشمم جای پایت

از آن ترسم که غافل پا نهی تو

نشیند خار مژگانم بیایت

دوبیتی شماره ۲۰

من آن رندم که گیرم از شهان باج

پوشم جوشن و بر سر نهم تاج

فرو ناید سر مردان به نامرد

اگر دارم کشند مانند حلاج

دوبیتی شماره ۲۱

ته که می شی بمو چاره بیاموج
 که این تاریک شوانرا چون کرم روج
 کهی واجم که کی این روج آیو
 کهی واجم که هرگز وا نه ای روج

دوبیتی شماره ۲۲

اگر زرین کلاهی عاقبت هیچ
 اگر خود پادشاهی عاقبت هیچ
 اگر ملک سلیمانیت بیخشد
 در آخر خاک راهی عاقبت هیچ

دوبیتی شماره ۲۳

زدست دیده و دل هر دو فریاد
 که هر چه دیده بیند دل کند یاد
 بسازم خنجری نیشش ز فولاد
 زخم بر دیده تا دل گردد آزاد

دوبیتی شماره ۲۴

گیج و ویجم که کافر گیج میراد
 چنان گیجم که کافر هم موی ناد
 بر این آئین که مو را جان و دل داد
 شمع و پروانه را پرویج میداد

دوبیتی شماره ۲۵

دو چشمم درد چشمانت بچیناد

مبو روجی که چشمم ته میناد

شنیدم رفتی و یاری گرفتی

اگر گوشم شنید چشمم میناد

دوبیتی شماره ۲۶

دلَم بی وصل ته شادی میناد

ز درد و محنت آزادی میناد

خراب آباد دل بی مقدم تو

الهی هرگز آبادی میناد

دوبیتی شماره ۲۷

بیته یارب به بستان گل مرویاد

وگر روید کسش هرگز مبویاد

بیته هر گل به خنده لب گشاید

رخش از خون دل هرگز مشویاد

دوبیتی شماره ۲۸

یکی درد و یکی درمان پسندد

یکی وصل و یکی هجران پسندد

من از درمان و درد و وصل و هجران

پسندم آنچه

را جانان پسندد

دوبیتی شماره ۲۹

الهی گردن گردون شود خرد

که فرزندان آدم را همه برد

یکی ناگه که زنده شد فلانی

همه گویند فلان ابن فلان مرد

دوبیتی شماره ۳۰

نهالی کن سر از باغی برآرد

بیارش هر کسی دستی برآرد

برآرد باغبان از بیخ و از بن

اگر بر جای میوه گوهر آرد

دوبیتی شماره ۳۱

غریبی بس مرا دلگیر دارد

فلک بر گردنم زنجیر دارد

فلک از گردنم زنجیر بردار

که غربت خاک دامنگیر دارد

دوبیتی شماره ۳۲

خور از خورشید رویت شرم دارد

مه نو زابرویت آزره دارد

بشهر و کوه و صحرا هر که بینی

زبان دل بذکرت گرم دارد

دوبیتی شماره ۳۳

غم عشقت بیابان پرورم کرد
 فراق مرغ بی بال و پرم کرد
 بمو واجی صبوری کن صبوری
 صبوری طرفه خاکی بر سرم کرد

دوبیتی شماره ۳۴

شوانم خواب در مرز گلان کرد
 گلم واچید و خوابم را زیان کرد
 باغبان دید که مو گل دوست دیرم
 هزاران خار بر گل پاسبان کرد

دوبیتی شماره ۳۵

دل عاشق به پیغامی بسازد
 خمار آلوده با جامی بسازد
 مرا کیفیت چشم تو کافیت
 ریاضت کش بیادامی بسازد

دوبیتی شماره ۳۶

دگر شو شد که مو جانم بسوزد
 گریبان تا بدامانم بسوزد
 برای کفر زلفت ای پریرخ
 همی ترسم که ایمانم بسوزد

دوبیتی شماره ۳۷

هر آنکس عاشق است از جان نترسد

یقین از بند و از زندان نترسد

دل عاشق بود گرگ گرسنه

که گرگ از هی هی چوپان نترسد

دوبیتی شماره ۳۸

بلا رمزی ز بالای ته باشد

جنون سری ز سودای ته باشد

بصورت آفرینم این گمان بی

که پنهان در تماشای ته باشد

دوبیتی شماره ۳۹

پسندی خوار و زارم تا کی و چند

پریشان روزگارم تا کی و چند

ته که باری ز دوشم برنگیری

گری سربار بارم تا کی و چند

دوبیتی شماره ۴۰

دلا خوبان دل خونین پسندند

دلا خون شو که خوبان این پسندند

متاع کفر و دین بی مشتری نیست

گروهی آن گروهی این پسندند

دوبیتی شماره ۴۱

مرا نه سر نه سامان آفریدند

پریشانم پریشان آفریدند

پریشان خاطران رفتند

در خاک

مرا از خاک ایشان آفریدند

دوبیتی شماره ۴۲

خوشا آنانکه سودای ته دیرند

که سر پیوسته در پای ته دیرند

بدل دیرم تمنای کسانی

که اندر دل تمنای ته دیرند

دوبیتی شماره ۴۳

چو آن نخلم که بارش خورده باشند

چو آن ویران که گنجش برده باشند

چو آن پیری همی نالم درین دشت

که رودان عزیزش مرده باشند

دوبیتی شماره ۴۴

خوشا آنانکه هر از بر ندانند

نه حرفی وانویسند و نه خوانند

چو مجنون سر نهند اندر بیابان

ازین گو گل روند آهو چرانند

دوبیتی شماره ۴۵

خوشا آنانکه تن از جان ندانند

تن و جانی بجز جانان ندانند

بدردش خو گرند سالان و ماهان

بدرد خویشان درمان ندانند

دوبیتی شماره ۴۶

خوشا آنانکه پا از سر ندونند

مثال شعله خشک و تر ندونند

کنشت و کعبه و بتخانه و دیر

سرائی خالی از دلبر ندونند

دوبیتی شماره ۴۷

خوشا آنانکه هر شامان ته وینند

سخن با ته گرد با ته نشینند

مو که پایم نبی کایم ته وینم

بشم آنان بوینم که ته وینند

دوبیتی شماره ۴۸

خوشا آنان که با ته همشینند

همیشه با دل خرم نشینند

همین بی رسم عشق و عشقبازی

که گستاخانه آیند و ته بینند

دوبیتی شماره ۴۹

لاله کاران دگر لاله مکارید

باغبانان دو دست از گل بدارید

اگر عهد گلان این بو که دیدم

بیخ گل بر کنید و خار بکارید

دوبیتی شماره ۵۰

مو آن رندم که نامم بی قلندر
 نه خان دیرم نه مان دیرم نه لنگر
 چو روج آیو بگردم گرد گیتی
 چو شو آیو به خشتی وانهم سر

دوبیتی شماره ۵۱

تویی آن شکرین لب یاسمین بر
 منم آن آتشین دل دیدگان تر
 از آن ترسم که در آغوشم آیی
 گدازد آتشت بر آب شکر

دوبیتی شماره ۵۲

گلش در زیر سنبل سایه پرور
 نهال قامتش نخلی است نوبر
 زعشق آن گل رعنا همه شب
 چو بلبل ناله و افغان بر آور

دوبیتی شماره ۵۳

دمی بوره بوین حالم ته دلبر
 دلم تنگه شبی با مو بسر بر
 ته گل بر سر زنی ای

نو گل مو

به جای گل زخم مو دست بر سر

دوبیتی شماره ۵۴

بروی ماهت ای ماه ده و چار

به سرو قدت ای زینده رخسار

که جز عشقت خیالی در دلم نی

بدیاری ندارم مو سر و کار

دوبیتی شماره ۵۵

دیم آلاله ای در دامن خار

واتم آلالیا کی چینمت بار

بگفتا باغبان معذور میدار

درخت دوستی دیر آورد بار

دوبیتی شماره ۵۶

دلم زار و دلم زار و دلم زار

طیبیم آورید دردم کرید چار

طیبیم چون بوینه بر موی زار

کره در مون دردم را بناچار

دوبیتی شماره ۵۷

سه درد آمو بجانم هر سه یکبار

غریبی و اسیری و غم یار

غریبی و اسیری چاره دیره

غم یار و غم یار و غم یار

دوبیتی شماره ۵۸

زدل نقش جمالت در نشی یار

خیال خط و خالت در نشی یار

مژه سازم بدور دیده پرچین

که تا وینم خیالت در نشی یار

دوبیتی شماره ۵۹

الاله کوهسارانم تویی یار

بنوشه جو کنارانم تویی یار

الاله کوهساران هفته ای بی

امید روزگارنم تویی یار

دوبیتی شماره ۶۰

بی تو تلواسه دیرم ای نکویار

زهر در کاسه دیرم ای نکویار

میم خون گریه ساقی ناله مطرب

مصاحب این سه دیرم ای نکویار

دوبیتی شماره ۶۱

فلک زار و نزارم کردی آخر

جدا از گلعدارم کردی آخر

میان تخته نرد محبت

شش و پنجمی بکارم کردی آخر

دوبیتی شماره ۶۲

اگر شیری اگر میری اگر مور
گذر باید کنی آخر لب گور
دلا رحمی بجان خویشان کن
که مورانت نهند خوان و کنند سور

دوبیتی شماره ۶۳

اگر شیری اگر ببری اگر کور
سرانجامت بود جا در ته گور
تنت در خاک باشد سفره گستر
بگردش موش و مار و عقرب و مور

دوبیتی شماره ۶۴

دلا اصلا نترسی از ره دور
دلا اصلا نترسی از ته گور
دلا اصلا نمیترسی که روزی
شوی بنگاه مار و لانه مور

دوبیتی شماره ۶۵

جره بازی بدم رفتم به نخجیر
سبک دستی بزد بر بال من تیر
برو غافل مچر در کوهساران
هران غافل چرد غافل خورد تیر

دوبیتی شماره ۶۶

بلبل بنالیم از سر سوز

بوره آه سحر از مو بیاموز

تو از بهر گلی ده روز نالی

مو از بهر دل آرامم شو و روز

دوبیتی شماره ۶۷

جدا از رویت ای ماه دل افروز

نه روز از شو شناسم نه شو از روز

وصالت گر مرا گردد میسر

همه روزم شود چون عید نوروز

دوبیتی شماره ۶۸

مو که سر در بیابانم شو و روز

سرشک از دیده بارانم شو و روز

نه تب دیرم نه جایم میکند درد

همیدونم که نالونم شو و روز

دوبیتی شماره ۶۹

بی ته سر در بیابانم شو و روز

سرشک از دیده بارانم شو و روز

نه بیمارم که جایم میگری درد

همیدانم که نالانم شو و روز

دوبیتی شماره ۷۰

غم و درد مو از عطار واپرس

درازی شب از بیمار واپرس

خلایق هر یکی صد بار پرسند

تو که جان و دلی یکبار واپرس

دوبیتی شماره ۷۱

خداوندا بفریاد دلم رس

تو یار بیکسان مو مانده بیکس

همه گویند طاهر کس نداره

خدا یار مو چه حاجت کس

دوبیتی شماره ۷۲

گلی که خود بدادم پیچ و تابش

باشک دید گانم دادم آتش

درین گلشن خدایا کی روا بی

گل از مو دیگری گیرد گلابش

دوبیتی شماره ۷۳

قضا رمزی زچشمان خمارش

قدر سری ز زلف مشگبارش

مه و مهر آیتی ز آنروی زیبا

نکویان جهان آئینه دارش

دوبیتی شماره ۷۴

به قبرستان گذر کردم کم و بیش

بدیدم قبر دولتمند و درویش

نه درویش بیکفن در خاک رفته

نه دولتمند برده یک کفن بیش

دوبیتی شماره ۷۵

شب تار است و گرگان میزنند میش

دو زلفانت حمایل کن بوره پیش

از آن کنج لب ت بوسی بموده

بگو راه خدا دادم بدرویش

دوبیتی شماره ۷۶

فلک نه همسری دارد نه هم کف

بخون ریزی دلش اصلا نگفت اف

همیشه شیوه کارش همینه

چراغ دودمانیرا کند پف

دوبیتی شماره ۷۷

دلی دیرم ولی دیوانه و دنگ

ز دستم شیشه ناموس بر سنگ

ازین دیوانگی روزی برآیم

که در دامان دلبر برزنم چنگ

دوبیتی شماره ۷۸

وای آن روجی که در

قبرم نهند تنگ

بیالینم نهند خشت و گل و سنگ

نه پای آنکه بگریزم ز ماران

نه دست آنکه با موران کنم جنگ

دوبیتی شماره ۷۹

دلی دیرم چو مو دیوانه و دنگ

زده آئینه هر نام بر سنگ

بمو واجند که بی نام و ننگی

هر آن یارش تویی چه نام و چه ننگ

دوبیتی شماره ۸۰

حرامم بی ته بی آلاله و گل

حرامم بی ته بی آواز بلبل

حرامم بی اگر بی ته نشینم

کشم در پابی گلبن ساغر مل

دوبیتی شماره ۸۱

موام آن آذرین مرغی که فی الحال

بسو جم عالم ار برهم زخم بال

مصور گر کشد نقشم به گلشن

بسوجه گلشن از تاثیر تمثال

دوبیتی شماره ۸۲

خدایا داد از این دل داد از این دل

نگشتم یک زمان من شاد از این دل

چو فردا داد خواهان داد خواهند

بر آرم من دو صد فریاد از این دل

دوبیتی شماره ۸۳

خدایا خسته و زارم ازین دل

شو و روزان در آزارم ازین دل

مو از دل نالم و دل نالد از مو

زمو بستان که بیزارم ازین دل

دوبیتی شماره ۸۴

بشم واشم که تا یاری گره دل

به بختم گریه و زاری گره دل

بگردی و نجوئی یار دیگر

که از جان و دلت یاری گره دل

دوبیتی شماره ۸۵

چرا دایم بخوابی ای دل ای دل

ز غم در اضطرابی ای دل ای دل

بوره کنجی نشین شکر خدا کن

که شاید کام یابی ای دل ای دل

دوبیتی شماره ۸۶

مگر شیر و پلنگی ای دل ای دل

بمو دایم به جنگی ای دل ای دل

اگر دستم فتی خونت بریجم

بوینم تا چه رنگی ای دل ای دل

دوبیتی شماره ۸۷

چرا آزرده حالی ای دل ای دل

همه فکر و خیالی ای دل ای دل

بساجم خنجری دل را برآرم

بوینم تا چه حالی ای دل ای دل

دوبیتی شماره ۸۸

مرا درد آموه و درمان چه حاصل

مرا وصل آموه و هجران

چه حاصل

بسوته بی گل و آلاله بی سر

سر سوته کله یاران چه حاصل

دوبیتی شماره ۸۹

دلا غافل ز سبحانی چه حاصل

مطیع نفس و شیطانی چه حاصل

بود قدر تو افزون از ملایک

تو قدر خود نمیدانی چه حاصل

دوبیتی شماره ۹۰

ز بوی زلف تو مفتونم ای گل

ز رنگ روی تو دلخونم ای گل

من عاشق ز عشقت بیقرارم

تو چون لیلی و من مجنونم ای گل

دوبیتی شماره ۹۱

دلا پوشم ز عشقت جامه نیل

نهم داغ غمت چون لاله بر دیل

دم از مهرت زخم همچون دم صبح

وز آن دم تا دم صور سرافیل

دوبیتی شماره ۹۲

غمم غم بی و همراز دلم غم

غمم همصحبت و همراز و همدم

غمت مهله که مو تنها نشینم

مریزا بارک الله مرحبا غم

دوبیتی شماره ۹۳

دو زلفانت گرم تار ربام

چه میخواهی ازین حال خرابم

ته که با مو سر یاری نداری

چرا هر نیمه شو آیی بخوابم

دوبیتی شماره ۹۴

مو آن محنت کش حسرت نصییم

که در هر ملک و هر شهری غرییم

نه بو روزی که آیی بر سر من

بوینی مرده از هجر حبیبیم

دوبیتی شماره ۹۵

مو آن دل داده یکتا پرستم

که جام شرک و خود بینی شکستم

منم طاهر که در بزم محبت

محمد را کمینه چاکرستم

دوبیتی شماره ۹۶

مو آن بحرم که در ظرف آمدستم

چو نقطه بر سر حرف آمدستم

بهر الفی الف قدی بر آیو

الف قدم که در الف آمدستم

دوبیتی شماره ۹۷

من آن مسکین تذروبی پرستم

من آن سوزنده شمع بی سرستم

نه کار آخرت کردم نه دنیا

یکی خشکیده نخل بی برستم

دوبیتی شماره ۹۸

بروی دلبری گر مایلستم

مکن منعم گرفتار دلستم

خدا را ساربان آهسته میران

که من وامانده این قافلستم

دوبیتی شماره ۹۹

به عشقت ای دلارا نگرورستم

نوید وصل تو تا نشورستم

بدل تخم وفایت کشتم آخر

بجز اندوه و خواری ندرورستم

دوبیتی شماره ۱۰۰

بشو یاد تو ای مه پاره هستم

بروز از درد و غم بیچاره هستم

تو داری در مقام خود قراری

مویم که

در جهان آواره هستم

دوبیتی شماره ۱۰۱

اگر آئی بجانم وانواجم

وگر نائی به هجرانم گداجم

ته هر دردی که داری بر دلم نه

بمیرم یا بسوچم یا بساجم

دوبیتی شماره ۱۰۲

الهی ار بواجم ور نواجم

ته دانی حاجتم را مو چه واجم

اگر بنوازیم حاجت روا بی

وگر محروم سازی مو چه ساجم

دوبیتی شماره ۱۰۳

دلم دردین و نالین چه واجم

رخم گردین و خاکین چه واجم

بگردیدم به هفتاد و دو ملت

بصد مذهب منادین چه واجم

دوبیتی شماره ۱۰۴

نمیدانم که رازم با که واجم

غم و سوز و گدازم با که واجم

چه واجم هر که ذونه میکره فاش

دگر راز و نیازم با که واجم

دوبیتی شماره ۱۰۵

به آهی گنبد خضرا بسوجم
 فلک را جمله سر تا پا بسوجم
 بسوجم ار نه کارم را بساجی
 چه فرمائی بساجی یا بسوجم

دوبیتی شماره ۱۰۶

نذونی ای فلک که مستمندم
 وامو پر بد مکه که دردمندم
 بیک گردش که میگردی بینی
 چو رشته مو بسامانت بیندم

دوبیتی شماره ۱۰۷

مو که چون اشتران قانع به خارم
 جهازم چوب و خرواری بیارم
 بدین مزد قلیل و رنج بسیار
 هنوز از روی مالک شرمسارم

دوبیتی شماره ۱۰۸

بوره ای روی تو باغ بهارم
 خیالت مونس شبهای تارم
 خدا دونه که در دنیای فانی
 بغیر عشق ته کاری ندارم

دوبیتی شماره ۱۰۹

همه شو تا سحر اختر شمارم

که ماه رویت آیو در کنارم

شوان گوشم بدر چشمم براهت

گذاری تا بکی در انتظارم

دوبیتی شماره ۱۱۰

شوان استارگان یک یک شمارم

براهت تا سحر در انتظارم

پس از نیمه شوان که ته نیایی

زدیده اشک چون باران بیارم

دوبیتی شماره ۱۱۱

از آن انگشت نمای روزگارم

که دور افتاده از یار و دیارم

ندونم قصد جان کردن بناحق

بجز بر سرزدن چاره ندارم

دوبیتی شماره ۱۱۲

از آن دلخسته و سینه فگارم

که گریان در ته سنگ مزارم

بواجندم که ته شوری نداری

سرا پا شور دارم شر ندارم

دوبیتی شماره ۱۱۳

غم عالم همه کردی بیارم

مگر مو لوک مست سر قطارم

مهارم کردی و دادی به ناکس

فزودی هر

زمان باری بیارم

دوبیتی شماره ۱۱۴

کافر مگر منی آلاله کارم

کافر مگر منی آتش بدارم

کافر مگر منی نامش برم نام

دو صد داغ دل از آلاله دارم

دوبیتی شماره ۱۱۵

هزاران ملک دنیا گر بدارم

هزاران ملک عقبی گر بدارم

بوره ته دلبرم تا با ته واجم

که بی روی تو آنرا گر بدارم

دوبیتی شماره ۱۱۶

غم عشق تو مادر زاد دیرم

نه از آموزش استاد دیرم

بدان شادم که از یمن غم تو

خراب آباد دل آباد دیرم

دوبیتی شماره ۱۱۷

ز دست چرخ گردون داد دیرم

هزاران ناله و فریاد دیرم

نشنید دستانم با خس و خار

چگونه خاطر خود شاد دیرم

دوبیتی شماره ۱۱۸

مو از قالوا بلی تشویش دیرم

گنه از برگ و باران بیش دیرم

اگر لاتقنطوا دستم نگیرد

مو از یاویلنا اندیش دیرم

دوبیتی شماره ۱۱۹

مو از جور بتان دل ریش دیرم

زلاله داغ بر دل بیش دیرم

چو فردا نامه خوانان نامه خوانند

من شرمنده سر در پیش دیرم

دوبیتی شماره ۱۲۰

ز عشقت آتشی در بوته دیرم

در آن آتش دل و جان سوته دیرم

سگت ار پا نهد بر چشمم ای دوست

بمژگان خاک راهش رو ته دیرم

دوبیتی شماره ۱۲۱

بسر شوق سر کوی ته دیرم

بدل مهر مه روی ته دیرم

بت من کعبه من قبله من

ته ای هر سو نظر سوی ته دیرم

دوبیتی شماره ۱۲۲

هزاران غم بدل اندوته دیرم

هزار آتش بجان افروته دیرم

بیک آه سحر کز دل برآرم

هزاران مدعی را سوته دیرم

دوبیتی شماره ۱۲۳

ز عشقت آتشی در بوته دیرم

در آن آتش دل و جان سوته دیرم

سگت ار پا نهد بر چشمم ایدوست

بمژگان خاک پایش روته دیرم

دوبیتی شماره ۱۲۴

دلی نازک بسان شیشه دیرم

اگر آهی کشم اندیشه دیرم

سرشکم گر بود خونین عجب نیست

مو آن نخلم که در خون ریشه دیرم

دوبیتی شماره ۱۲۵

زهجرانت هزار اندیشه دیرم

همیشه زهر غم در شیشه دیرم

زنا سازی بخت و گردش چرخ

فغان و آه و زاری پیشه دیرم

دوبیتی شماره ۱۲۶

آن رندم که عصیان پیشه دیرم
 بدستی جام و دستی شیشه دیرم
 اگر تو بیگناهی رو ملک شو
 من از حوا و آدم ریشه دیرم

دوبیتی شماره ۱۲۷

بسر غیر ته سودائی ندیرم
 بدل جز ته تمنائی ندیرم
 خدا دونه که در بازار عشقت
 بجز جان هیچ کالائی ندیرم

دوبیتی شماره ۱۲۸

بغیر ته دگر یاری ندیرم
 به اغیاری سر و کاری ندیرم
 بدکان ته آن کاسد متاعم
 که اصلا روی بازاری ندیرم

دوبیتی شماره ۱۲۹

همه عالم پر از کرد چه سازم
 چو مو دلها پر از درد چه سازم
 بکشتم سنبلی دامان الوند
 همواز طالع زرد چه سازم

دوبیتی شماره ۱۳۰

بدل درد غمت باقی هنوزم

کسی واقف نبو از درد و سوزم

نبو یک بلبل سوته به گلشن

به سوز مو نبو کافر به روزم

دوبیتی شماره ۱۳۱

فلک بر هم زدی آخر اساسم

زدی بر خمره نیلی لباسم

اگر داری برات از قصد جانم

بکن آخر ازین دنیا اساسم

دوبیتی شماره ۱۳۲

بشم واشم ازین عالم بدر شم

بشم از چین و ما چین دورتر شم

بشم از حاجیان حج پیرسم

که این دوری بسه یا دورتر شم

دوبیتی شماره ۱۳۳

قدح بر گیرم و سیر گلان شم

بطرف سبزه و آب روان شم

دو سه جامی زخم با شادکامی

وایم مست و بسیر لالیان شم

دوبیتی شماره ۱۳۴

خدایا واکیان شم واکیان شم

بدین بیخانمانی واکیان شم

همه از در برانند سوته آیم

ته که از در برانی واکیان شم

دوبیتی شماره ۱۳۵

ز وصلت تا بکی فرد آیم و شم

جگر پر سوز و پر درد آیم و شم

بموگوئی که در کویم نیایی

مو تا کی بارخ زرد آیم و شم

دوبیتی شماره ۱۳۶

سر کویت بتا چند آیم و شم

ز وصلت بی نوا چند آیم و شم

بکویت تا ببیند دیده رویت

نترسی از خدا چند آیم و شم

دوبیتی شماره ۱۳۷

مو که مست از می انگور باشم

چرا از نازنینم دور باشم

مو که از آتشت گرمی نوینم

چرا از دود محنت کور

باشم

دوبیتی شماره ۱۳۸

به این بی آشنایی برکیاشم

به این بی خانمانی برکیاشم

همه گر مو بروند واته آیم

ته از در گر برونی برکیاشم

دوبیتی شماره ۱۳۹

بیا یک شو منور کن اطاقم

مهل در محنت و درد فراقم

به طاق جفت ابروی تو سوگند

که همجفت غم تا از تو طاقم

دوبیتی شماره ۱۴۰

شبی نالم شبی شبگیر نالم

ز جور یار و چرخ پیر نالم

گهی همچون پلنگ تیر خورده

گهی چون شیر در زنجیر نالم

دوبیتی شماره ۱۴۱

مو که آشفته حالم چون نالم

شکسته پر و بالم چون نالم

همه گویند فلانی چند نالی

تو آیی در خیالم چون نالم

دوبیتی شماره ۱۴۲

مو کز سوته دلانم چون ننالم

مو کز بی حاصلانم چون ننالم

بگل بلبل نشیند زار نالد

مو که دور از گلانم چون ننالم

دوبیتی شماره ۱۴۳

دلم زار و حزینه چون ننالم

وجودم آتشینه چون ننالم

بمو واجن که طاهر چند نالی

چو مرگم در کمینه چون ننالم

دوبیتی شماره ۱۴۴

وای ازین دل که نی هرگز بکامم

وای ازین دل که آزارد مدامم

وای ازین دل که چون مرغان وحشی

نچیده دانه اندازد بدامم

دوبیتی شماره ۱۴۵

بیته بالین سیه مار به چشمم

روح روشن شو تار به چشمم

بیته ای نو گل باغ امیدم

گلستان سربسر خار به چشمم

دوبیتی شماره ۱۴۶

بیته گلشن چو زندان بچشمم

گلستان آذرستان بچشمم

بیته آرام و عمر و زندگانی

همه خواب پریشان بچشمم

دوبیتی شماره ۱۴۷

دلا از دست تنهایی بجانم

ز آه و ناله خود در فغانم

شبان تار از درد جدایی

کند فریاد مغز استخوانم

دوبیتی شماره ۱۴۸

قلم بتراشم از هر استخوانم

مرکب گیرم از خون رگانم

بگیرم کاغذی از پرده دل

نویسم بهر یار مهربانم

دوبیتی شماره ۱۴۹

مو آن دلداده بی خانمانم

مو آن محنت نصیب سخت جانم

مو آن سرگشته خارم در بیابان

که چون بادی وزد هر سو دوانم

دوبیتی شماره ۱۵۰

به خنجر گر بر آرند دیدگانم

در آتش گر بسوزند استخوانم

اگر بر ناخانم نی بکوبند

نگیرم دل ز یار مهربانم

دوبیتی شماره ۱۵۱

مو آن آزرده بی خانمانم

مو

آن محنت نصیب سخت جانم

مو آن سرگشته خارم در بیابون

که هر بادی وزد پیشش دوانم

دوبیتی شماره ۱۵۲

فلک کی بشنود آه و فغانم

بهر گردش زند آتش بجانم

یک عمری بگذرانم با غم و درد

بکام دل نگردد آسمانم

دوبیتی شماره ۱۵۳

کنون داری نظر گو واکیانم

ز جورت در گدازه استخوانم

بکه اندیشه ای بیداد پیشه

که آهم تیر بو ناله کمانم

دوبیتی شماره ۱۵۴

تو خود گفتی که مو ملاح مانم

به آب دیدکان کشتی برانم

همی ترسم که کشتی غرق و ابو

درین دریای بی پایان بمانم

دوبیتی شماره ۱۵۵

مو آن رندم که پا از سر ندونم

سراپایی بجز دلبر ندونم

دلارامی کز او دل گیرد آرام

بغیر از ساقی کوثر ندونم

دوبیتی شماره ۱۵۶

دلم دور است و احوالش ندونم

کسی خواهد که پیغامش رسونم

خداوندا ز مرگم مهلتی ده

که دیداری بیدارش رسونم

دوبیتی شماره ۱۵۷

سر کوه بلند چندان نشینم

که لاله سر بر آره مو بچینم

الاله بیوفا بی بیوفا بی

نگار بیوفا چون مو گزینم

دوبیتی شماره ۱۵۸

خوشا روزی که دیدار ته وینم

گل و سنبل ز رخسار ته چینم

بیا بنشین که تا وینم شو و روز

جمالت ای نگار نازنینم

دوبیتی شماره ۱۵۹

شبی خواهم که پیغمبر بینم

دمی با ساقی کوثر نشینم

بگیرم در بغل قبر رضا را

در آن گلشن گل شادی بچینم

دوبیتی شماره ۱۶۰

بوره روزی که دیدار ته وینم

گل و سنبل به دیدار تو چینم

بوره بنشین برم سالان و ماهان

که تا سیرت بوینم نازنینم

دوبیتی شماره ۱۶۱

گلستان جای تو ای نازنینم

مو در گلخن به خاکستر نشینم

چه در گلشن چه در گلخن چه صحرا

چو دیده واکرم جز ته نوینم

دوبیتی شماره ۱۶۲

به صحرا بنگرم صحرا ته وینم

به دریا بنگرم دریا ته وینم

بهر جا بنگرم کوه و در و دشت

نشان روی زیبای ته وینم

دوبیتی شماره ۱۶۳

خوش آنساعت که دیدار ته وینم

کمند عنبرین تار ته وینم

نوینه خرمی هرگز دل مو

مگر آن دم که رخسار ته وینم

دوبیتی شماره ۱۶۴

الهی دشمنت

را خسته وینم

به سینه اش خنجری تا دسته وینم

سر شو آیم احوالش بیرسم

سحر آیم مزارش بسته وینم

دوبیتی شماره ۱۶۵

اگر جسمم بسوزی سوته خواهم

اگر چشمم بدوزی دوته خواهم

اگر باغم بری تا گل بچینم

گلی همرننگ و همبوی ته خواهم

دوبیتی شماره ۱۶۶

بیا سوته دلان گردهم آئیم

سخنها واکریم غم وانمائیم

ترازو آوریم غمها بسنجیم

هر آن سوته تریم وزین تر آئیم

دوبیتی شماره ۱۶۷

نمیدانم که سرگردان چرایم

گهی نالان گهی گریان چرایم

همه دردی بدوران یافت درمان

ندانم مو که بیدرمان چرایم

دوبیتی شماره ۱۶۸

ز حال خویشتن مو بیخبر بیم

ندونم در سفر یا در حضر بیم

فغان از دست تو ای بیمروت

همین ذونم که عمری در بدر بیم

دوبیتی شماره ۱۶۹

بوره یکدم بنالیم و بسوجیم

از آنرویی که هر دو تیره روجیم

ته بلبل حاش لله مثل مونی

نبو جز درد و غم یک عمر روجیم

دوبیتی شماره ۱۷۰

عزیزا ما گرفتار دو دردیم

یکی عشق و دگر در دهر فردیم

نصیب کس مباد این غم که ما راست

جمالت یک نظر نادیده مردیم

دوبیتی شماره ۱۷۱

بیا تا دست ازین عالم بداریم

بیا تا پای دل از گل برآریم

بیا تا بردباری پیشه سازیم

بیا تا تخم نیکوئی بکاریم

دوبیتی شماره ۱۷۲

بوره کز دیده جیحونی بسازیم

بوره لیلی و مجنونی بسازیم

فریدون عزیزم رفتی از دست

بوره کز نو فریدونی بسازیم

دوبیتی شماره ۱۷۳

بوره سوته دلان با ما بنالیم

زدست یار بی پروا بنالیم

بشیم با بلبل شیدا به گلشن

اگر بلبل ناله ما بنالیم

دوبیتی شماره ۱۷۴

ته سر ورزان مو سودای ته ورزان

گریبان بلرزان وا ته لرزان

کفن در کردم صحرای محشر

هران وینان احوال ته پرسیان

دوبیتی شماره ۱۷۵

برندم همچو یوسف گر بزندان

ویا نالم زغم چون مستمندان

اگر صد باغبان خصمی نماید

مدام آیم بگلزار تو خندان

دوبیتی شماره ۱۷۶

دلم از دست ته نالانه نالان

اندرون دلم خون کشته پالان

هزاران قول با ما بیش کردی

همه قولان ته بالان بالان

دوبیتی شماره ۱۷۷

گلی کشتم باین الوند دامان

آوش از دیده

دادم صبح و شامان

چو روج آيو كه بويش وا من آيو

برد بادش سر و سامان بسامان

دوبیتی شماره ۱۷۸

خوشا آنان نه سر دارند نه سامان

نشین هر دو پا پیچن به دامان

شو و روزان صبوری پیش گیرن

بیاد روی دلداران مدامان

دوبیتی شماره ۱۷۹

بوره ای دل بوره باری بشیمان

مکه کاری کز آن گردی پشیمان

یه دو روزی بناکامی سر آریم

باشه روزی که گل چینیم بدامان

دوبیتی شماره ۱۸۰

بوره منت بریم ما از کریمان

بکشیم دست از خوان لثیمان

کریمان دست در خوان کریمی

که بر خوانش نظر دارند کریمان

دوبیتی شماره ۱۸۱

زدست مو کشیدی باز دامان

ز کردارت نبی یک جو پشیمان

روم آخر بدامانی زخم دست

که تا از وی رسد کارم بسامان

دوبیتی شماره ۱۸۲

اگر مستان هستیم از ته ایمان

وگر بی پا و دستیم از ته ایمان

اگر بگیریم و ترساور مسلمان

بهر ملت که هستیم از ته ایمان

دوبیتی شماره ۱۸۳

ز یاد خود بیا پروا کریمان

ازو کو التجا وا که بریمان

کیه این تاب داره تا مو دارم

نداره تاب این سام نریمان

دوبیتی شماره ۱۸۴

پشیمانم پشیمانم پشیمان

کاروانی بوینم تا بشیمان

کهن دنیا بهیچ کسی نمانده

به هرزه کوله باری میکشیمان

دوبیتی شماره ۱۸۵

مو آن اسپید بازم سینه سوهان

چراگاه مو بی سر بشن کوهان

همه تیغی به سوهان میگردن تیز

مو آن تیغم که یزدان کرده سوهان

دوبیتی شماره ۱۸۶

دلم تنگ ندانم صبر کردن

زدلتنگی بوم راضی بمردن

ز شرم روی ته مو در حجابم

ندانم عرض حالم واته کردن

دوبیتی شماره ۱۸۷

الهی سوز عشقت بیشتر کن

دل ریشم ز دردت ریشتر کن

ازین غم گر دمی فارغ نشینم

بجانم صد هزاران نیشتر کن

دوبیتی شماره ۱۸۸

آنکه بی خان و بی مانه منم من

آنکه بر گشته سامانه منم من

آنکه شادمان به انده میکره روز

آنکه روزش چو شامانه منم و من

دوبیتی شماره ۱۸۹

اگر دستم رسد بر چرخ گردون

از او پرسم که این چین است و آن چون

یکی را میدهی

صد ناز و نعمت

یکی را نان جو آلوده در خون

دوبیتی شماره ۱۹۰

دلا خونی دلا خونی دلا خون

همه خونی همه خونی همه خون

ز بهر لیلی سیمین عذاری

چو مجنونی چو مجنونی چو مجنون

دوبیتی شماره ۱۹۱

بعالم کس مبادا چون من آئین

مو آئین کس مبو در دین و آئین

هر آنکو حال موش باور نمیو

مو آئین بی مو آئین بی مو آئین

دوبیتی شماره ۱۹۲

بیا جانا دل پردرد مو بین

سرشک سرخ و روی زرد مو بین

غم مهجوری و درد صبوری

همه برجان غم پرورد مو بین

دوبیتی شماره ۱۹۳

بیته یک شو دلم بی غم نمی بو

که آن دلبر دمی همدم نمی بو

هزاران رحمت حق باد بر غم

زمانی از دل ما کم نمی بو

دوبیتی شماره ۱۹۴

وای از روزی که قاضیمان خدا بو

سر پل صراطم ماجرا بو

بنوبت بگذرند پیر و جوانان

وای از آندم که نوبت زان ما بو

دوبیتی شماره ۱۹۵

دلی دیرم که بهبودش نمی بو

سخنها می‌کرم سودش نمی بو

بیادش می‌دهم نش میبرد باد

در آتش می نهم دودش نمی بو

دوبیتی شماره ۱۹۶

سری دارم که سامانش نمیبو

غمی دارم که پایانش نمیبو

اگر باور نداری سوی من آی

بوین دردی که درمانش نمیبو

دوبیتی شماره ۱۹۷

دلی دیرم دمی بیغم نمی بو

غمی دیرم که هرگز کم نمی بو

خطی دیرم مو از خوبان عالم

که یار بیوفا همدم نمی بو

دوبیتی شماره ۱۹۸

بوره جانا که جانانم تویی تو

بوره یارا که سلطانم تویی تو

ته دونی خود که مو جز تو ندونم

بوره بوره که ایمانم تویی تو

دوبیتی شماره ۱۹۹

به والله که جانانم تویی تو

بسلطان عرب جانم تویی تو

نمیدونم که چونم یا که چندم

همی دونم که درمانم تویی تو

دوبیتی شماره ۲۰۰

شبی دیرم زهجرت تار تارو

گرفته ظلمتش لیل و نهارو

خداوندا دلم را روشنی ده

که تا وینم جمال هشت و چارو

دوبیتی شماره ۲۰۱

نصیب کس مبو درد دل مو

که بسپاره غم بی حاصل مو

کسی بو از غم و دردم خبردار

که دارد مشکلی چون

مشکل مو

دوبیتی شماره ۲۰۲

نیا مطلق بکارم این دل مو

بجز خونابه اش نه حاصل مو

داره در موسم گل جوش سودا

چه پروایی کره اینجا دل مو

دوبیتی شماره ۲۰۳

بهارم بی خزان ای گلبن مو

چه غم کنده بیو بیخ و بن مو

برس ای سوته دل یکدم به دردم

ته ای امروز دل تازه کن مو

دوبیتی شماره ۲۰۴

امان از اختر شوریده مو

فغان از بخت برگردیده مو

فلک از کینه ورزی کی گذاره

رود خون از دل غمدیده مو

دوبیتی شماره ۲۰۵

نوای ناله غم اندوته دونو

عیار قلب خالص بوته دونو

بوره سوته دلان واهم بنالیم

که قدر سوته دل دلسوته دونو

دوبیتی شماره ۲۰۶

مکن کاری که پا بر سنگت آیو
 جهان با این فراخی تنگت آیو
 چو فردا نامه خوانان نامه خونند
 تو وینی نامه خود ننگت آیو

دوبیتی شماره ۲۰۷

بی ته اشکم ز مژگان تر آیو
 بی ته نخل امیدم نی بر آیو
 بی ته در کنج تنهائی شب و روز
 نشینم تا که عمرم بر سر آیو

دوبیتی شماره ۲۰۸

شبی کان نازنینم در بر آیو
 گذشته عمرم از نو بر سر آیو
 همه شو دیده مو تا سحرگاه
 بره باشد که یارم از در آیو

دوبیتی شماره ۲۰۹

بدل چون یادم از بوم و بر آیو
 سر شگم بیخود از چشم تر آیو
 از آن ترسم من بر گشته دوران
 که عمرم در غریبی بر سر آیو

دوبیتی شماره ۲۱۰

خوش آن ساعت که یار از در آید

شو هجران و روز غم سر آید

زدل بیرون کنم جانرا بصد شوق

همی واجم که جایش دلبر آید

دوبیتی شماره ۲۱۱

غم عشق تو کی بر هر سر آید

همائی کی به هر بوم و بر آید

ز عشقت سرفرازان کامیابند

که خور اول به کهساران بر آید

دوبیتی شماره ۲۱۲

بی ته هر شو سرم بر بالش آید

چو نی از استخوانم نالش آید

شب هجران بجای اشک چشمم

ز مژگان پاره های آتش آید

دوبیتی شماره ۲۱۳

نسیمی کز بن آن کاکل

آیو

مرا خوشتر ز بوی سنبل آیو

چو شو گیرم خیالش را در آغوش

سحر از بستم بوی گل آیو

دوبیتی شماره ۲۱۴

سحرگان که بلبل بر گل آیو

بدامان اشک چشمم گل گل آیو

روم در پای گل افغان کنم سر

که هر سوته دلی در غلغل آیو

دوبیتی شماره ۲۱۵

صدای چاوشان مردن آیو

بگوش آوازه جان کندن آیو

رفیقان میروند نوبت به نوبت

وای آن ساعت که نوبت وامن آیو

دوبیتی شماره ۲۱۶

بیته گلشن به چشمم گلخن آیو

واته گلخن به چشمم گلشن آیو

گلم ته گلبنم ته گلشنم ته

که واته مرده را جان بر تن آیو

دوبیتی شماره ۲۱۷

عزیزا مردی از نامرد نایو

فغان و ناله از بیدرد نایو

حقیقت بشنو از پور فریدون

که شعله از تنور سرد نایو

دوبیتی شماره ۲۱۸

کجا بی جای ته ای بر همه شاه

که مو آیم بدانجا از همه راه

همه جا جای ته مو کور باطن

غلط گفتم غلط استغفرالله

دوبیتی شماره ۲۱۹

غم عشقت ز گنج رایگان به

وصال تو ز عمر جاودان به

کفی از خاک کویت در حقیقت

خدا دونه که از ملک جهان به

دوبیتی شماره ۲۲۰

غم و درد دل مو بی حساب

خدا دونه دل از هجرت کبابه

بنازم دست و بازوی ته صیاد

بکش مرغ دلم بالله ثوابه

دوبیتی شماره ۲۲۱

مو را درد دلم خو کرده واته

ندونی درد دل ای بیوفا ته

بوره مو سوته دل واته سپارم

ته ذونی با دل و دل ذونه با ته

دوبیتی شماره ۲۲۲

دل مو دایم اندر ماتم ته

بدل پیوسته بی درد و غم ته

چه پرسی که چرا قدت ببوخم

خم قدم از آن پیچ و خم ته

دوبیتی شماره ۲۲۳

بدنیا مو نوینم کام بی ته

بدس هرگز نگیرم جام بی ته

بلرزم روز و شو چون بید مجنون

ندارم یک نفس آرام بی ته

دوبیتی شماره ۲۲۴

دو چشمم را ته خون پالا کنی ته

کلاه عقلم از سر وا کنی ته

اگر لیلی پرسه حال مجنون

نظر او

را سوی صحرا کنی ته

دوبیتی شماره ۲۲۵

دلی دیرم چو مرغ پا شکسته

چو کشتی بر لب دریا نشسته

تو گویی طاهرا چون تار بنواز

صدا چون میدهد تار گسسته

دوبیتی شماره ۲۲۶

قضا پیوسته در گوشم بواجه

که این درد دل تو بی علاجه

اگر گوهر به آبی خواهون نداری

همین این جون تو که بی رواجه

دوبیتی شماره ۲۲۷

دلت ای سنگدل بر ما نسوجه

عجب نبود اگر خارا نسوجه

بسوچم تا بسوچانم دلت را

در آذر چوب تر تنها نسوجه

دوبیتی شماره ۲۲۸

دلم از دست خوبان گیج و ویجه

مژه بر هم زخم خونابه ریجه

دل عاشق مثال چوب تر بی

سری سوجه سری خونابه ریجه

دوبیتی شماره ۲۲۹

ندونم لوت و عریانم که کرده
 خودم جلاد و بیجونم که کرده
 بده خنجر که تا سینه کنم چاک
 بینم عشق بر جونم چه کرده

دوبیتی شماره ۲۳۰

سرم چون گوی در میدان بگرده
 دلم از عهد و پیمان بر نگرده
 اگر دوران به ناهلان بمانه
 نشینم تا که این دوران بگرده

دوبیتی شماره ۲۳۱

شدستم پیرو برنائی نمانده
 بتن توش و توانائی نمانده
 بمو واجی برو آلاله چین
 چرا چینم که بینائی نمانده

دوبیتی شماره ۲۳۲

مرا عشقت ز جان آذر بر آره
 زپیکر مشت خاکستر بر آره
 نهال مهت از دل گر ببرند
 هزاران شاخه دیگر بر آره

دوبیتی شماره ۲۳۳

عزیزان موسم جوش بهاره

چمن پر سبزه صحرا لاله زاره

دمی فرصت غنیمت دان درین فصل

که دنیای دنی بی اعتباره

دوبیتی شماره ۲۳۴

غمم بیحد و دردم بی شماره

فغان کاین درد مو درمان نداره

خداوندا ندونه ناصح مو

که فریاد دلم بی اختیاره

دوبیتی شماره ۲۳۵

دل مو بیتو زار و بی قراره

بجز آزار مو کاری نداره

زند دستان بسر چون طفل بدخو

بدرد هجرت اینش روزگاره

دوبیتی شماره ۲۳۶

مو را ای دلبر مو با ته کاره

وگر نه در جهان بسیار یاره

کجا پروای چون مو سوته دیری

چو مو بلبل به گلزارت هزاره

دوبیتی شماره ۲۳۷

زغم جان در تنم در گیر و داره

سرم در رهن تیغ آبداره

ندارم اختیاری از چه جوشش

دل مو

تاب این سودا نداره

دوبیتی شماره ۲۳۸

سرم بالین تنم بستر نداره

دلم جز شوق ته در سر نداره

نهد دور از ته هر کس سر بالین

الهی سر ز بالین بر نداره

دوبیتی شماره ۲۳۹

سر سرگشته ام سامان نداره

دل خون گشته ام درمان نداره

به کافر مذهبی دل بسته دیرم

که در هر مذهبی ایمان نداره

دوبیتی شماره ۲۴۰

هر آن دلبر که چشم مست دیره

هزاران دل چو ما پا بست دیره

میان عاشقان آن ماه سیما

چو شعر مو بلند و پست دیره

دوبیتی شماره ۲۴۱

دلم میل گل باغ ته دیره

درون سینه ام داغ ته دیره

بشم آلاله زاران لاله چینم

وینم آلاله هم داغ ته دیره

دوبیتی شماره ۲۴۲

دلَم میل گل روی ته دیره

سرم سودای گیسوی ته دیره

اگر چشمم بماه نو کره میل

نظر بر طاق ابروی ته دیره

دوبیتی شماره ۲۴۳

سرم سودای گیسوی ته دیره

دلَم میل گل روی ته دیره

اگر چشمم بماه نو کره میل

نظر بر طاق ابروی ته دیره

دوبیتی شماره ۲۴۴

غمَت در سینه مو خانه دیره

چو جغدی جای در ویرانه دیره

فلک هم در دل تنگم نهد باز

هر آن انده که در انبانه دیره

دوبیتی شماره ۲۴۵

مو که یارم سر یاری ندیره

مو که دردم سبکباری ندیره

همه واجن که یارت خواب نازه

چه خوابست اینکه بیداری ندیره

دوبیتی شماره ۲۴۶

سحر گاهان که اشکم لاوه گیره

ز آهم هفت چرخ آلاوه گیره

چنان از دیده ریزم اشک خونین

که گیتی سر بسر سیلابه گیره

دوبیتی شماره ۲۴۷

دل مو غیرته دلبر نگیره

بجای جوهری جوهر نگیره

دل مو سوته و مهر ته آذر

نبی ناسوته آذر در نگیره

دوبیتی شماره ۲۴۸

دل ارمهرت نورزه بر چه ارزه

گل است آندل که مهر تو نورزه

گریبانی که از عشقت شود چاک

بیک عالم گریبان وایرزه

دوبیتی شماره ۲۴۹

درخت غم بجانم کرده ریشه

بدرگاه خدا نالم همیشه

رفیقان قدر یکدیگر بدانید

اجل سنگست و آدم مثل شیشه

دوبیتی شماره ۲۵۰

هزاران دل بغارت برده ویشه

هزارانت دگر خون کرده ویشه

هزاران داغ ریش ار ویشم

اشمرد

هنو نشمرده از اشمرده ویشه

دوبیتی شماره ۲۵۱

پریشان سنبلان پرتاب مکه

خمارین نرگسان پر خواب مکه

براینی ته که دل از ما برینی

برنیه روزگار اشتاب مکه

دوبیتی شماره ۲۵۲

به والله و به بالله و به تالله

قسم بر آیه نصر من الله

که دست از دامت من بر ندارم

اگر کشته شوم الحکم لله

دوبیتی شماره ۲۵۳

درین بوم و برانم پرورش نه

شوانم جا و روزانم خورش نه

سری دیرم که مغزی اندرو نه

تنی دیرم که پروای سرش نه

دوبیتی شماره ۲۵۴

دلی همچون دل نالان مو نه

غمی همچون غم هجران مو نه

اگر دریا اگر ابر بهاران

حریف دیده گریان مو نه

دوبیتی شماره ۲۵۵

چو مو یک سوته دل پروانه ای نه

بعالم همچو مو دیوانه ای نه

همه مارون و مورون لانه دیرن

من دیوانه را ویرانه ایی نه

دوبیتی شماره ۲۵۶

بدنیا مثل مو دل سوته ای نه

بدرد سوز غم اندوته ای نه

چسان بندم ره سیل دو دیده

که این زخم دلم لو سوته ای نه

دوبیتی شماره ۲۵۷

به کس درد دل مو واتنی نه

که سنگ از آسمون انداتنی نه

بمو واجن که ترک یار خود که

کسیس یارم که ترکش واتنی نه

دوبیتی شماره ۲۵۸

سحر گاهان فغان بلبلانه

بیاد روی پر نور گلانه

ز آه مو فلک آخر خدرکه

اثر در ناله سوته دلانه

دوبیتی شماره ۲۵۹

نوای ناله غم اندوته ذونه

عیار قلب و خالص بوته ذونه

بیا سوته دلان با هم بنالیم

که قدر سوته دل دل سوته ذونه

دوبیتی شماره ۲۶۰

دلَم از دست تو دایم غمینه

بیالین خشتی و بستر زمینه

همین جرمم که موته دوست دیرم

که هر کت دوست دیره حالش اینه

دوبیتی شماره ۲۶۱

چه باغ است اینکه دارش آذرینه

چه دشت است اینکه خونخوارش زمینه

مگر بوم و بر سنگین دلان است

مگر صحرای عشق نازینه

دوبیتی شماره ۲۶۲

اگر شاهین بچرخ هشتمینه

کند فریاد مرگ اندر کمینه

اگر صد سال در دنیا بمانی

در آخر منزلت زیر زمینه

دوبیتی شماره ۲۶۳

دیم یک عندلیب خوشنواژی

که می نالید وقت صبحگاهی

بشاخ گلبنی با گل همی گفت

که

یارا بی وفایی بی وفائی

دوبیتی شماره ۲۶۴

فلک در قصد آزارم چرائی

گلم گر نیستی خارم چرائی

ته که باری ز دوشم بر نداری

میان بار سربارم چرایی

دوبیتی شماره ۲۶۵

سر راهت نشینم تا بیایی

در شادی بروی ما گشایی

شود روزی بروز مو نشینی

که تا وینی چه سخت بیوفائی

دوبیتی شماره ۲۶۶

تو آری روز روشن را شب از پی

شده کون و مکان از قدرتت حی

حقیقت بشنو از طاهر که گردید

بیک کن خلقت هر دو جهان طی

دوبیتی شماره ۲۶۷

ته کت نازنده چشمان سرمه سائی

ته کت زبینه بالا دلربایی

ته کت مشکین دو گیسو در قفائی

بمو واجی که سرگردان چرائی

دوبیتی شماره ۲۶۸

عزیزان از غم و درد جدایی

به چشمانم نمانده روشنائی

بدرد غربت و هجرم گرفتار

نه یار و همدمی نه آشنائی

دوبیتی شماره ۲۶۹

به هر شام و سحر گریم بکوئی

که جاری سازم از هر دیده جوئی

مو آن بی طالعم در باغ عالم

که گل کارم بجایش خار روئی

دوبیتی شماره ۲۷۰

ز کشت خاطریم جز غم نروئی

ز باغم جز گل ماتم نروئی

ز صحرای دل بیحاصل مو

گیاه ناامیدی هم نروئی

دوبیتی شماره ۲۷۱

الهی دل بلا بی دل بلا بی

گنه چشمان کره دل مبتلا بی

اگر چشمان نکردی دیده بانی

چه داند دل که خوبان در کجایی

دوبیتی شماره ۲۷۲

غم عالم نصیب جان ما بی

بدور ما فراغت کیمیا بی

رسد آخر بدرمان درد هر کس

دل ما بی که در دش بیدوا بی

دوبیتی شماره ۲۷۳

وای آن روزی که قاضی مان خدا بی

به میزان و صراطم ماجرا بی

بنوبت میروند پیر و جوانان

وای آنساعت که نوبت زان ما بی

دوبیتی شماره ۲۷۴

صفا هونم صفا هونم چه جابی

که هر یاری گرفتم بیوفا بی

بشم یکسر بتازم تا به شیراز

که در هر منزلی صد آشنا بی

دوبیتی شماره ۲۷۵

عاشق آن به که دایم در بلا بی

ایوب آسا به کرمان مبتلا بی

حسن آسا بدستش کاسه زهر

حسین آسا بدشت کربلا بی

دوبیتی شماره ۲۷۶

بدام

دلبری دل مبتلا بی

که هجرانش بلا وصلش بلا بی

درین ویرانه دل جز خون ندیدم

نه دل گویی که دشت کربلا بی

دوبیتی شماره ۲۷۷

جهان بی وفا زندان ما بی

گل غم قسمت دامان ما بی

غم یعقوب و محنت های ایوب

همه گویا نصیب جان ما بی

دوبیتی شماره ۲۷۸

بسوی باغ و بستان لاله وابی

همه موها مثال ژاله وابی

وگر سوی خراسان کاروان را

رهانم مو سوی بنگاله وابی

دوبیتی شماره ۲۷۹

زمشک تر سیه تر سنبلت بی

هزاران دل اسیر کاکلت بی

زآه و ناله تاثیری ندیدم

زخارا سخت تر گویا دلت بی

دوبیتی شماره ۲۸۰

بدریای غمت دل غوطه ور بی

مرا داغ فراق بر جگر بی

ز مژگان خدنگت خورده ام تیر

که هر دم سوچ دل زان بیشتر بی

دوبیتی شماره ۲۸۱

مدامم دل براه و دیده تر بی

شراب عیشم از خون جگر بی

ببویت زندگی یابم پس از مرگ

ترا گر بر سر خاکم گذر بی

دوبیتی شماره ۲۸۲

ز آهم هفت گردون پر شرر بی

ز مژگانم روان خون جگر بی

ته که هرگز دلت از غم نسوجه

کجا از سوته دیلانت خبر بی

دوبیتی شماره ۲۸۳

خوشا آندل که از خود بیخبر بی

ندونه در سفر یا در حضر بی

بکوه و دشت و صحرا همچو مجنون

پی لیلی دوان با چشم تر بی

دوبیتی شماره ۲۸۴

شیم از روز و روز از شو بتر بی

دل آشفته ام زیر و زبر بی

شو و روز از فراقت ناله مو

چو آه سوته جانان پر شرر بی

دوبیتی شماره ۲۸۵

چه خوش بی مهربانی هر دو سر بی

که یکسر مهربانی در دسر بی

اگر مجنون دل شوریده ای داشت

دل لیلی از آن شوریده تر بی

دوبیتی شماره ۲۸۶

مدامم دل پر از خون جگر بی

چو شمع آتش بجان و دیده تر بی

نشینم بر سر راهت شو و روز

که تا روزی ترا بر مو گذر بی

دوبیتی شماره ۲۸۷

دل از دست غمت زیر و زبر بی

بچشمان اشکم از خون جگر بی

هران یاری چو

مو پرناز دیره

دلش پر غصه جانش پر شرر بی

دوبیتی شماره ۲۸۸

هر آن باغی که نخلش سر بدر بی

مدامش باغبون خونین جگر بی

بیاید کندنش از بیخ و از بن

اگر بارش همه لعل و گهر بی

دوبیتی شماره ۲۸۹

شوم از شام یلدا تیره تر بی

درد دلم ز بودردا بتر بی

همه دردا رسن آخر بدرمون

درمان درد ما خود بی اثر بی

دوبیتی شماره ۲۹۰

دل تو کی ز حالم با خبر بی

کجا رحمت باین خونین جگر بی

تو که خونین جگر هرگز نبودی

کی از خونین جگرها با خبر بی

دوبیتی شماره ۲۹۱

خوشا آندل که از غم بهره ور بی

بر آندل وای کز غم بی خبر بی

ته که هرگز نسوته دیلت از غم

کجا از سوته دیلانت خبر بی

دوبیتی شماره ۲۹۲

هر آنکس مال و جاهش بیشتر بی

دلش از درد دنیا ریشتر بی

اگر بر سر نهی چون خسروان تاج

به شیرین جانت آخر نیشتر بی

دوبیتی شماره ۲۹۳

هر آنکس با تو قریش بیشتر بی

دلش از درد هجران ریشتر بی

اگر یکبار چشمانت بوینم

بجانم صد هزاران نیشتر بی

دوبیتی شماره ۲۹۴

خور آئین چهره ات افروته تر بی

بجانم تیر عشقت دوته تر بی

چرا خال رخت دونی سیاهه

هر آن نزدیک خور بی سوته تر بی

دوبیتی شماره ۲۹۵

زخور این چهره ات افروته تر بی

تیر عشقت بجانم روته تر بی

مرا اختر بود خال سیاهت

ز مو یارا که اختر سوته تر بی

دوبیتی شماره ۲۹۶

چه خوش بی وصلت ای مه امشبک بی

مرا وصل تو آرام دلک بی

زمهرت ای مه شیرین چالاک

مدامم دست حسرت بر سرک بی

دوبیتی شماره ۲۹۷

دلا راحت پر از خار و خشک بی

گذرگاه تو بر اوج فلک بی

شب تار و بیابان دور منزل

خوشا آنکس که بارش کمترک بی

دوبیتی شماره ۲۹۸

شب تار و بیابان پرورک بی

در این ره روشنایی کمترک بی

گر از دستت بر آید پوست از تن

بیفکن تا که بارت کمترک بی

دوبیتی شماره ۲۹۹

دلا راه تو پر خار و

خسک بی

درین ره روشنایی کمترک بی
گر از دست بر آید پوست از تن
بیفکن تا که بارت کمترک بی

دوبیتی شماره ۳۰۰

ز شورانگیزی چرخ و فلک بی
که دایم چشم بختم پر نمک بی
دمادم دود آهم تا سما بی
پیای سیل اشکم تا سمک بی

دوبیتی شماره ۳۰۱

دل بلبل صفت حیران گل بی
دروم چون درخت پی بگل بی
خونابه بار دیرم ارغوان وار
درخت نهله بارش خون دل بی

دوبیتی شماره ۳۰۲

قدم دایم ز بار غصه خم بی
چو مو محنت کشی در دهر کم بی
مو هرگز از غم آزادی ندیرم
دل بی طالع مو کوه غم بی

دوبیتی شماره ۳۰۳

قدم دایم زبار غصه خم بی

چو مو خونین دلی در دهر کم بی

زغم یکدم مو آزادی ندیرم

دل بیچاره مو کوه غم بی

دوبیتی شماره ۳۰۴

به لامردم مکان دلبرم بی

سخنهای خوشش تاج سرم بی

اگر شاهم ببخشد ملک شیراز

همان بهتر که دلبر در برم بی

دوبیتی شماره ۳۰۵

نپنداری که زندان خوشترم بی

سرم بو گوی میدان خوشترم بی

چو گلخن تار و تاریکه به چشمم

گلستان بی ته زندان خوشترم بی

دوبیتی شماره ۳۰۶

گر آن نامهربانم مهربان بی

چرا از دیدگانم خون روان بی

اگر دلبر بمو دلدار می بو

چرا در تن مرا نه دل نه جان بی

دوبیتی شماره ۳۰۷

دلَم از سوز عشق آتش بجان بی

بکامم زهر از آن شکر دهان بی

همان دستان که با ته بی بگردن

کنونم چون مگس بر سر زنان بی

دوبیتی شماره ۳۰۸

جهان خوان و خلاق میهمان بی

گل امروز مو فردا خزان بی

سیه چالی که نامش را نهند گور

بما واجن که اینت خانمان بی

دوبیتی شماره ۳۰۹

خدایی که مکانش لامکان بی

صفابخش جمال گلرخان بی

پدید آرنده روز و شب و خلق

که بر هر بنده او روزی رسان بی

دوبیتی شماره ۳۱۰

هزاران لاله و گل در جهان بی

همه زیبا به چشم دیگران بی

آلاله مو به زیبایی درین باغ

سرافراز همه آالیان

بی

دوبیتی شماره ۳۱۱

ز بیداد فلک یارون امان بی

امان جستن روز آخرزمان بی

اگر پاره کرم یخه بجا بو

که وامو آسمان پرسرگران بی

دوبیتی شماره ۳۱۲

سخن از هر چه واجم واتشان بی

حدیث از بیش و از کم واتشان بی

بدریا گر روم گوهر بر آرم

هر آن گوهر که وینم واتشان بی

دوبیتی شماره ۳۱۳

خوشا آنانکه الله یارشان بی

بحمد و قل هو الله کارشان بی

خوشا آنانکه دایم در نمازند

بهشت جاودان بازارشان بی

دوبیتی شماره ۳۱۴

چه واجم هر چه واجم واته شان بی

سخن از بیش و از کم واته شان بی

بدریا مو شدم گوهر بر آرم

هر آن گوهر که دیدم واته شان بی

دوبیتی شماره ۳۱۵

سیه بختم که بختم واژگون بی
 سیه روجم که روجم سرنگون بی
 شدم آواره کوی محبت
 زدست دل که یارب غرق خون بی

دوبیتی شماره ۳۱۶

من آن شمعم که اشکم آتشین بی
 که هر سوته دلی حالش همین بی
 همه شب گریم و نالم همه روز
 بیته شامم چنان روزم چنین بی

دوبیتی شماره ۳۱۷

زدست عشق هر شو حالم این بی
 سریرم خشت و بالینم زمین بی
 خوشم این بی که موته دوست دیرم
 هر آن ته دوست داره حالش این بی

دوبیتی شماره ۳۱۸

دو چشمانت پیاله پر ز می بی
 خراج ابروانت ملک ری بی
 همی وعده کری امروز و فردا
 نمیدانم که فردای تو کی بی

دوبیتی شماره ۳۱۹

گلان فصل بهاران هفته ای بی

زمان وصل یاران هفته ای بی

غنیمت دان وصال لاله رویان

که گل در لاله زاران هفته ای بی

دوبیتی شماره ۳۲۰

الاله کوهساران هفته ای بی

بنفشه جو کناران هفته ای بی

منادی میکره شهر و به شهر و

وفای گلعداران هفته ای بی

دوبیتی شماره ۳۲۱

بهار آیو به هر شاخی گلی بی

بهر لاله هزاران بلبل بی

بهر مرزی نیارم پا نهادن

مبو کز مو بتر سوز دلی بی

دوبیتی شماره ۳۲۲

همه دل ز آتش غم سوتنی بی

بهر جان سوز هجر افروتنی بی

که از دست اجل بر تن قبائی

اگر شاه و گدائی دوتنی بی

دوبیتی شماره ۳۲۳

بدنیای دنی کی ماندنی بی

که دامان بر جهان افشاندنی بی

همی لا تقنطوا خوانی عزیزا

دلا یا ویلنا هم خواندنی بی

دوبیتی شماره ۳۲۴

یقینم حاصله که هرزه گردی

ازین گردش که داری برنگردی

بروی مو بیستی هر رهی را

بدین عادت که داری کی ته مردی

دوبیتی شماره ۳۲۵

مو را نه فکر سودایی نه سودی

نه در دل فکر بهبودی نه بودی

نخواهم جو کنار و چشمه سارون

که هر چشمم هزارون زنده رودی

دوبیتی شماره ۳۲۶

اگر دردم یکی بودی چه بودی

و گر غم اندکی بودی چه بودی

به بالینم طیبی یا حبیبی

ازین هر دو یکی بودی چه بودی

دوبیتی شماره ۳۲۷

از آن روزیکه ما را آفریدی

بغیر از معصیت چیزی ندیدی

خداوندا بحق هشت و چارت

ز ما بگذر شتر دیدی ندیدی

دوبیتی شماره ۳۲۸

بمو واجی چرا ته بیقراری

چو گل پرورده باد بهاری

چرا گردی بکوه و دشت و صحرا

بجان او ندارم اختیاری

دوبیتی شماره ۳۲۹

همه روزم فغان و بیقراری

شوان بیداری و فریاد و زاری

بمو سوجه دل هر دور و نزدیک

ته از سنگین دلی پروا نداری

دوبیتی شماره ۳۳۰

خدایا دل ز مو بستان بزاری

نمی آید ز مو بیمار داری

نمیدونم لب لعلش به خونم

چرا تشنه است با این آبداری

دوبیتی شماره ۳۳۱

مرا دیوانه و شیدا ته دیری

مرا سرگشته و رسوا ته دیری

نمیدونم دلم دارد کجا جای

همیدونم که دردی جا ته دیری

دوبیتی شماره ۳۳۲

نگارینا دل و جانم ته دیری

همه پیدا و پنهانم ته دیری

نمیدانم که این درد از که دیرم

همیدانم که درمانم ته دیری

دوبیتی شماره ۳۳۳

مسلسل زلف بر رخ ریته دیری

گل و سنبل بهم آمیته دیری

پریشان چون کری زلف دو تا را

بهر تاری دلی آویته دیری

دوبیتی شماره ۳۳۴

برویت از حیا خوی ریته دیری

دو ابرویت بناز آمیته دیری

به سحر دیده در چاه زنخدان

بسی هاروت دل آویته دیری

دوبیتی شماره ۳۳۵

سمن زلفا بری چون لاله دیری

ز نرگس ناز در دنباله دیری

از آن رو سه

بمهرم بر نیاری

که در سرناز چندین ساله دیری

دوبیتی شماره ۳۳۶

غم اندر سینه مو خانه دیری

چو ویرانه که بوم آشانه دیری

فلک اندر دل مسکین مو نه

ازین غم هرچه در انبانه دیری

دوبیتی شماره ۳۳۷

کشیمان ار بزاری از که ترسی

برانی گر بخواری از که ترسی

مو با این نیمه دل از کس نترسم

دو عالم دل ته داری از که ترسی

دوبیتی شماره ۳۳۸

کشم آهی که گردون پر شرر شی

دل دیوانه ام دیوانه تر شی

بترس از برق آه سوته دیلان

که آه سوته دیلان کارگر شی

دوبیتی شماره ۳۳۹

دل دیوانه ام دیوانه تر شی

خرابه خانه ام ویرانه تر شی

کشم آهی که گردون را بسوجم

که آه سوته دیلان کارگر شی

دوبیتی شماره ۳۴۰

الهی ای فلک چون مو زبون شی

دلت همچون دل مو غرق خون شی

اگر یک لحظه ام بی غم بوینی

یقین دانم کزین غم سرنگون شی

دوبیتی شماره ۳۴۱

دل بی عشق را افسردن اولی

هر که دردی نداره مردن اولی

تنی که نیست ثابت در ره عشق

ذره ذره به آتش سوتن اولی

دوبیتی شماره ۳۴۲

در اشکم بدامان ریته اولی

خون دلم ز چشمان ریته اولی

بکس حرفی ز جورت وانواجم

که حرف جور پنهان ریته اولی

دوبیتی شماره ۳۴۳

دل ار عشقت نداره مرده اولی

روان بی درد عشق افسرده اولی

سحر بلبل زند در گلشن آواز

که گل بی عشق حق پژمرده اولی

دوبیتی شماره ۳۴۴

اگر دل دلبری دلبر کدامی

وگر دلبر دلی دل را چه نامی

دل و دلبر بهم آمیته وینم

ندانم دل که و دلبر کدامی

دوبیتی شماره ۳۴۵

کسیکه ره بفریادم برد نی

خبر بر سرو آزادم برد نی

همه خوبان عالم جمع گردند

کسیکه یادت از یادم برد نی

دوبیتی شماره ۳۴۶

شبی ناید ز اشکم دیده تر نی

سرشکم جاری از خون جگر نی

شو و روجم رود با ناله زار

ته را از حال زار مو خبر نی

دوبیتی شماره ۳۴۷

دل شاد از دل زارش خبر نی

تن سالم زبیمارش خبر نی

نه تقصیره

که این رسم قدیمه

که آزاد از گرفتارش خبر نی

دوبیتی شماره ۳۴۸

ته که دور از منی دل در برم نی

هوایی غیر وصلت در سرم نی

بجانت دلیرا کز هر دو عالم

تمنای دگر جز دلبرم نی

دوبیتی شماره ۳۴۹

دلی چون مو بغم اندوته ای نی

زری چون جان مو در بوته ای نی

بجز شمعم بیالین همدمی نه

که یار سوته دل جز سوته ای نی

دوبیتی شماره ۳۵۰

زدل مهر تو ای مه رفتنی نی

غم عشقت بهر کس گفتنی نی

ولیکن شعله مهر و محبت

میان مردمان بنهفتنی نی

دوبیتی شماره ۳۵۱

مو آن باز سفیدم همدانی

لانه در کوه دارم سایبانی

به بال خود پرم کوهان به کوهان

به چنگ خود کرم نخجیر بانی

دوبیتی شماره ۳۵۲

گرم خوانی ورم رانی ته دانی

گرم درتش بسوزانی ته دانی

ورم بر سر زنی الوند و میمند

همی واجم خدا جانی ته دانی

دوبیتی شماره ۳۵۳

هر آن کالوند دامان مو نشانی

دامان از هر دو عالم در کشانی

اشک خونین پاشم از راه الوند

تا که دلبر بپایش برفشانی

دوبیتی شماره ۳۵۴

بیته یکدم دلم خرم نمانی

اگر رویت بوینم غم نمانی

اگر درد دلم قسمت نمایند

دلی بی غم درین عالم نمانی

دوبیتی شماره ۳۵۵

من دل سوته را لایق ندونی

که در دیوان عشاقت بخونی

هزارون بارم از خونی ببو کم

ز تو زیرا که بحر بیکرونی

دوبیتی شماره ۳۵۶

بمیرم تا ته چشم تر نبینی

شرار آه پر آذر نبینی

چنانم آتش عشقت بسوجه

که از مو مشت خاکستر نبینی

دوبیتی شماره ۳۵۷

به قبرستان گذر کردم صباحی

شنیدم ناله و افغان و آهی

شنیدم کله ای با خاک می گفت

که این دنیا نمی ارزد بکاهی

دوبیتی شماره ۳۵۸

بنادانی گرفتم کوره راهی

ندانستم که می افتم بچاهی

بدل گفتم رفیقی تا به منزل

ندانستم رفیق نیمه راهی

دوبیتی شماره ۳۵۹

ته که خورشید اوج دلربایی

چنین بیرحم و سنگین دل چرایی

به اول آنهمه مهر و محبت

به آخر راه و رسم بی وفایی

دوبیتی شماره ۳۶۰

نگار تازه خیز ما کجایی

بچشمان سرمه ریز ما کجایی

نفس بر

سینه طاهر رسیده

دم رفتن عزیز ما کجایی

دوبیتی شماره ۳۶۱

ته که نوشم نه ای نیشم چرایی

ته که یارم نه ای پیشم چرایی

ته که مرهم نه ای بر داغ ریشم

نمک پاش دل ریشم چرایی

دوبیتی شماره ۳۶۲

ز دل بیرون نبجتم ناله نایی

ز مژگان تر مو ژاله نایی

شوی نایه که مو خوابت بوینم

به بخت مو به چشم لاله نایی

دوبیتی شماره ۳۶۳

عزیزون از غم و درد جدایی

به چشمو نم نمانده روشنایی

گرفتارم بدام غربت و درد

نه یار و همدمی نه آشنایی

دوبیتی شماره ۳۶۴

پی مرگ نکویان گل نرویی

دگر رویی نه رنگش بی نه بویی

ز خود رو هیچ حاصل برنخیزد

بجز بدنامی و بی آبرویی

دوبیتی شماره ۳۶۵

مو احوالم خرابه گر تو جویی

جگر بندم کبابه گر تو جویی

ته که رفتی و یار نو گرفتی

قیامت هم حسابه گر تو جویی

دوبیتی شماره ۳۶۶

به جز این مو ندارم آرزویی

که باشد همدم مولاله رویی

اگر درد دلم واجم به کوهان

دگر در کوهساران گل نرویی

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری
۴. صرفاً ارائه محتوای علمی
۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه
۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی
۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...
۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...
۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com
۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ...
۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی
۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ...
۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)
۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)
۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و ... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نمایم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

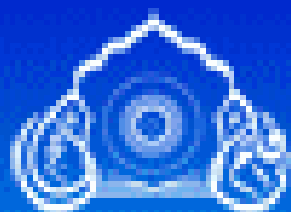
ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گام‌ها

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

